

جنبش دمکراسی و استبداد حزب کمونیست در چین

دانشجویان دانشگاه پکن در ادامه یکسری از فرمهای اقتصادی که از اوایل دهه جاری در چین در حال تکوین می‌باشد، سعی کردند تا با برپا کردن تظاهرات در میدان * صلح آسمانی * پکن در جهت دمکراتیزه کردن جامعه* استبداد زده چین در عرصه* سیاسی و اجتماعی قدم بردارند. چهل سال است که در این کشور غیر از حزب کمونیست و سازمانهای وابسته بآن هیچ تشکیلات سیاسی دیگری حقوق وجودیت و فعالیت ندارد. از قضا یکی از خواست‌های دانشجویان تظاهر کننده برسمیت شناختن سازمان مستقل آنها و تشکیلات مستقل کارگری از سوی دولت وابسته به حزب کمونیست آن کشور بود. دانشجویان چین با حمل عکسهای مائوتسه تونگ و با الهام‌گیری از گفته‌های وی مبنی بر اینکه * بگذار تا صدها گل بشکند *، خواستار آزادی عقیده و بیان و مطبوعات و لغو تمام حقوق ویژه ای که حزب کمونیست و دولت وابسته به آن برای کادرهای حزبی و دولتی قائل شده بودند، علسی کردن در آمد تمام کادرهای حزبی و دولتی و بهتر شدن وضع زندگی روشنفکران نیز جزو خواست‌های تظاهر کنندگان بود. بعد این درخواست‌ها باعث آن شد، که بخش بزرگی از اهالی پکن از کارگر و کارمند گرفته تا افراد وابسته به دولت و ارتش همستگ خود را با تظاهر کنندگان اعلام دارند. بطوریکه در روز ۱۲ ماه مه بیش از یک میلیون و نیم از ساکنین این شهر در پشتیبانی از جنبش مطالباتی دانشجویان که به * جنبش دمکراسی * شهرت یافت، دست بتظاهر آ زدند. علاوه بر این در سایر شهرهای بزرگ چین تظاهراتی در حمایت از دانشجویان و اهالی پکن بوقوع پیوست.

اوج اعتراضات توده ای در چین با مسافرت گورباچف به پکن همراهی گردید. حضور گورباچف در چین کمک کرد تا خبر این اعتراضات در سراسر جهان انعکاس وسیعی یابد. با اینحال عکس العمل رهبری حزب کمونیست چین و دولت وابسته به آن در مقابل این * جنبش دمکراسی * کاملاً متفاوت و حتی متضاد بود. رهبری حزب کمونیست آقای ژائو زیانگ که از سوی وزیر دفاع آقای کین یو وای حمایت میشد، با هرگونه سرکوب تظاهرات توسط ارتشی که در بین مردم چین به * ارتش آزادیبخش * لقب گرفته

بود، مخالف بود. ژائو ژیانگ رهبر حزب که گویا به چگونگی طرز تفکر رفقای حزبی خود آگاهی کامل داشت، سعی نمود تا تظاهرات و اعتراضات توده ای بدون خونریزی به پایان رسد و بدینظور جسورانه به دیدار و ملاقات تظاهرکنندگان که بسیاری از آنان در اعتراض غذا بسر می بردند، رفت. در مقابل این حرکت اما آقای تنگ شیاوتینگ ۸۴ ساله که بعد از ککره ۱۳ حزب در دو سال و نیم پیش از تمام مقامات حزبی کتاره گرفته بود و تنها هست حزبی که هنوز بعهده داشت، ریاست کمیسیون ارتش در کمیته مرکزی حزب بسر می برد، از موضع نخست وزیر لهنگ حمایت می کرد. لهنگ بشابه سرسخت ترین مخالف دمکراسی است و نمی توانست با گفتگو و مذاکره با دانشجویانی که سیستم تک حزبی حاکم در چین را به زیر سؤال برده بودند، توافق داشته باشد.

از سوی دیگر دانشجویان که شیفته انعکاس مثبت خبر تظاهرات خود در سراسر جهان شده بودند و همزمان از تحولانی که در راستای تحقق دمکراسی در بعضی از کشورهایی که بر خود نام کمونیسم و یا سوسیالیسم نهاده اند، در شرف انجام است، اطلاع داشتند، بهیچوجه حاضر نشدند تا با رهبر حزب ژائو ژیانگ کنار آیند. جنبش دانشجویی چین با تکیه بر شرایط افراطی که مشخصه تمامی جنبش های دانشجویی در سراسر جهان است، باین مسئله توجه نکردند که تمام اعضا رهبری حزب کمونیست در رابطه با دمکراتیزه کردن جامعه چین یکسان نمی اندیشند و عناصری که در دو سال و نیم قبل باعث سقوط هو یائوانگ از رهبری حزب کمونیست شده بودند، هنوز دارای قدرت و نفوذ زیادی می باشند سرانجام تظاهرات و اعتراضات توده ای مردم پکن در روزهای سوم و چهارم یونی بنا بر فرمان تنگ و توسط سلسله ها و نانگ های ارتش آزاد بیخس بخاک و خون کشیده شد.

پس از این سرکوب خونین دستگاه های تبلیغاتی حزب کمونیست و دولت وابسته به آن کارزار بزرگ تبلیغاتی علیه تظاهرکنندگان برآه انداختند و سعی کردند تا ایشان را مخالفین سوسیالیسم و طرفداران امپریالیسم جهانی معرفی نموده و عملکرد ایشان را در خدمت نیروهای خارجی قلمداد کنند. چنین بود که رهبران "جنبش دمکراسی" در چین به "ضد انقلابی" و "مخالف طبقه کارگر" بودن متهم گردیدند. و بخشی از اعتصابیون طرفداران بیوه مائوتسه تونگ و باند چهار نفره * * معرفی شدند.

دستگاه های تبلیغاتی حزب کمونیست و دولت چین با بوق و کرنا بار دیگر دفاع از حقوق دمکراتیک و درخواست آزادی بیان، قلم و اجتماعات را فریب بورژوازی و در مخالفت با سوسیالیسم خواندند. از دیدگاه طرفداران سلطه تک حزبی در جامعه سوسیالیستی، همچون حزب کمونیست چین حقوق دمکراتیک چیزی جز حقوق بورژوازی نیست. این حقوق باید از سوی کمونیستهای ناب سرود

* - لهنگ
پسر خواننده نخست وزیر سابق چین - چوئن لای - فردی است که تحصیلات عالی و تربیت سیاسی اش را در دوران استالین در مسکو به پایان رسانده است.

** - انگراز رهبران سابق انقلاب فرهنگی از جمله بیوه مائوتسه تونگ به باند چهارنفره معروف شد مانند ما

شناخته شود.*

پس از سرکوب خونین بیش از پنج هزار نفر از طرفداران " جنبش دمکراسی " نیروهای امنیتی به پیگرد فعالین آن پرداختند و تا اواخر ماه ژوئن بیش از ۱۸۰۰ نفر از رهبران این جنبش را بازداشت و حتی عده ای از آنان را بجزیه های اعدام سپردند. مقامات حزبی و دولتی چین که از تحولاتی که در کشورهای اروپائی بلوک شرق در حال تکوین است، شدیداً نا راضی می باشند، از توسل به هر شیوه ای که بتواند سدی در برابر رشد " جنبش دمکراسی " در چین گردد، ابائی ندارند. چنین بود که با به خدمت گرفتن تلویزیون انحصار دولتی و با نشان دادن صحنه های فحشیم از چگونگی دستگیری دانشجویان و جلسات دادگاه های فرمانی به ایجاد حس ترس و رعب در سراسر چین پرداختند. روشن است که اوضاع غیر دمکراتیک تنها بر جامعه چین حاکم نیست، بلکه این روابط بر حزب کمونیست چین و دولت وابسته آن نیز حکمفرماست. بطور کلی می توان گفت که این دو عامل لازم و ملزوم یکدیگرند. جامعه فاقد سنت دمکراسی باضافه حزب و دولت متکی بر ایدئولوژی استبدادی یکدیگر را تکمیل می کنند. یکی از آنها از میان تاریخ هزاران ساله استبداد آسیائی و خاقانی چین بر می خیزد و دیگری معمول تاریخ هفتاد سال سلطه " کمونیسم روسی " و " بلشویکی " بر روح و روان احزاب " کمونیستی " جهان است. بر پایه همین روابط غیر دمکراتیک است که آقای تنگ** می تواند بوسیله کودتای حزبی نظرات خود را به بزرگترین حزب جهان تحمیل کند.

=====

* - بد نیست متذکر شد که این چنین طرز تفکری بین اکثریت بزرگی از کمونیستهای (م - ل) ایرانی رایج می باشد.

** - آقای تنگ در قلع و قمع واقعی که در سال ۱۹۵۷ توسط حزب کمونیست چین برهبری مائوتسه تونگ علیه صدها هزار روشنفکر چینی بوقوع پیوست بعنوان یکی از رهبران و فعالین حزب کمونیست فعالانه شرکت داشت. در اثر این پیگرد، روشنفکران مخالف حزب کمونیست و حتی منتقدین آن دسته دسته روانه اردوگاه های کار اجباری شدند از جمله استادان دانشگاه ها را برای نظارت به اسطبل و آغل روانه کردند.

در رابطه با " انقلاب فرهنگی " چین در سال ۱۹۶۶ مجدداً پیگردی علیه دیگر اندیشان در چین بهمانند که تعداد زیادی از مقامات حزبی و دولتی همچون رئیس جمهور وقت لائو جیاجی و آقای تنگ شامل تصفیه و پیگرد قرار گرفتند.

اکثریت اعضای حزب کمونیست چین بخاطر فقدان آشنایی با فرهنگ دیکراسی هیچگونه اعتراضی به این کودتا نمودند و حتی آقای تنگ و متحدینش را در گسترش اختناق یاری رساندند، زیرا این اعضای سر براه در کلاس های حزبی یار گرفته اند که همیشه حق با حزب می باشد .

جنایت رهبران حزب کمونیست چین و دولت وابسته بان از سوی قدرتمداران کشورهای آلمان دمکراتیک (آلمان شرقی) و رومانی که خود را نیز " سوسیالیستی " می دانند ، مورد تأیید قرار گرفت . اما برعکس آزادیخواهان جهان این سرکوب حقوق بشر را محکوم کردند . در حالیکه سازمان ما این رفتار غیر انسانی را صرفنظر از بهانه های رایج بین اپوزیسیون ایران مردود شمرده ،* برخی از سازمانهای کمونیستی (م - ل) ایران این جنایات را نه بخاطر شناخت از چگونگی شکل گیری " جنبش دیکراسی " و عملکرد سرکوب کرانه حزب کمونیست که از ماهیت انحصارگرانه نظامهای تک حزبی سرچشمه می گیرد ، بلکه با نسبت دادن آنها به " عواملان نفوذی شورروازی "

در حزب کمونیست چین مورد نکوهش قرار دادند . طرفداران چنین تفکری با گریز از واقعیات خود را در پشت نظرات " کمونیسم سنتی " که با بقدرت رسیدن حزب بلشویک در روسیه متداول گردید ، قرار داده و سعی می نمایند ارتکاب اینگونه جنایات را از جانب شورروازی و توطئه های او قلمداد کنند و نظام تک حزبی را عاری از اشتباه جلوه دهند .

چقدر تأسف انگیز است که بخش بزرگی از نیروهای کمونیست ایران هنوز حاضر نیستند پس از گذشت بیش از ۲۰ سال از انقلاب بلشویکی روسیه و یا ۴۰ سال از انقلاب چین و برعکس شدن ضعفها ، کمبودها و نقائص موجود در این جوامع که بخشی از آن در رابطه با سیستم توتالیتر تک حزبی می باشد ، باین نتیجه برسند که تحقق سوسیالیسم بدون دیکراسی بهیچوجه امکان پذیر نخواهد بود . و یکی از شرایط اولیه تحقق سوسیالیسم ، دمکراتیزه کردن جامعه در تمام سطوح سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی می باشد .

در پایان این نوشته می بایستی متذکر شد که شکست سیستم های توتالیتر در شوروی ، چین ، لهستان ، آلبانی ، مجارستان ، آلمان دمکراتیک (آلمان شرقی) و رومانی " شکست

سوسیالیسم و بی‌روزی کاپیتالیسم . آنطور که
 ایدئولوژیهای جوامع سرمایه داری و نیروهای ضد سوسیالیستی
 جامعه ایران تبلیغ می نمایند نیست . این شکست
ورشکستگی آن تئوری و عملکردی است که سوسیالیسم
را مخالف با مالکیت خصوصی و طرفداری از مالکیت دولتی
و برپایی سیستم استبداد تک حزبی و دیوانسالاری
دولتی تحت عنوان دیکتاتوری پرولتاریا می داند .
در واقع این شکست و ورشکستگی کامل برداشت
بنسبتی از سوسیالیسم در سطح جهان می باشد
و نه نابودی سوسیالیسم به شائبه یک
ایده آل بنسبتی برای رهائی از پیوغ استعمار .

بی گمان میلیتاریزه کردن جامعه چین نخواهد توانست برای ابد
 سد راه دیکراسی گردد . بطور حتم مبارزه برای تحقق دیکراسی و آزادی
 علیه رژیم تک حزبی سلطه گرای آن کشور ادامه پیدا خواهد کرد
 و نیروهای طرفدار سوسیالیسم و پلورالیسم سیاسی در کنار
 سایر نیروهای آزادیخواه در پیشبرد این مبارزه نقش بزرگی را ایفا
 خواهند کرد .
 م - کاوه .

این نوشته در شماره ۱۹ نشریه جنبش سوسیالیستی با نام مستعار « م . کاوه » ، که یکی از نامهای
 مستعار « دکتر منصور بیگ زاده » بود، منتشر شد.

منبع: جنبش سوسیالیستی - نشریه سازمان سوسیالیستهای ایران شماره ۱۹ سال ۱۳۶۸ -
 تاریخ انتشار در سایت سازمان سوسیالیست های ایران در روز سه شنبه ۲۳ فروردین ۱۳۹۰ - ۱۲ آپریل ۲۰۱۱